

خبرها

اجلاس «پایامبر اسلام و وحدت جهان اسلام» در آلبانی برگزار می‌شود

ایسنا : اجلاس «پایامبر اسلام و وحدت جهان اسلام» از سوی نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آلبانی برگزار می‌شود.
نماینده‌گی فرهنگی جمهوری اسلامی در آلبانی به مناسبت هفدهم ربیع الاول و مصادف با میلاد پر برکت پیامبر اکرم(ص) سمیناری را با موضوع «پایامبر اسلام و وحدت جهان اسلام» برگزار می‌کند.
در این سمینار رهبران گروه‌های دینی و محققان و پژوهشگران دینی در موضوع شخصیت پیامبر اکرم(ص) و وحدت میان جهان اسلام به ارائه سخنرانی و مقاله می‌پردازند.

□

اجلاس بین المللی امیرخسرو دهلوی برگزار شد

ایسنا : اجلاس بین‌المللی «امیر خسرو دهلوی، پل ارتباطی زبان و فرهنگ مشترک ایران و هند» برگزار شد.
این اجلاس که از پنجم تا نهم فروردین ۱۳۸۵ در محل «جامعه ملیه اسلامی» شهر دهلوی نور برگزار شد، از پشتیبانی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در هند برخوردار بود.
در این همایش ۴۰ پژوهشگر از کشورهای ایران، هند، افغانستان، تاجیکستان، آلمان، آمریکا، بلژیک و چند کشور دیگر شرکت داشتند و چهره‌هایی چون رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر هند برای آن پیام فرستاده‌اند.

□

استقبال مردم سوریه از انتخاب آلبو به‌عنوان پایتخت فرهنگی اسلامی

ایسنا : صدها عرب و شخصیت خارجی در شهر آلبو واقع در سوریه گردهم آمدند تا از تصمیم تبدیل شدن این شهر به عنوان پایتخت فرهنگ اسلامی جهان عرب در سال ۲۰۰۶ استقبال کنند.
ریاض نسان آقا وزیر فرهنگ سوریه گفت : آلبو ازسوی سازمان کنفرانس اسلامی انتخاب شد، چرا که این شهر گذرگاه اصلی بین شرق و غرب است.
در اینجا فرهنگ‌ها با هم تلاقی کرده و با هم ترکیب می‌شوند.
این شهر نمونه‌ای از همزیستی میان مذاهب، جوامع و نژادهاست.
چندی پیش جشن افتتاحیه دویروزه‌ای با مراسم افتتاح مسجد جامع قرن ۲۲ این شهر برگزار شد.
این مسجد طی پنج سال گذشته در دست تعمیر بود.

در سراسر سال جاری نمایشنامه‌ها، فیلم‌ها، کنفرانس‌ها، سالن‌های کتاب، کنسرت‌ها و نمایش‌هایی برای بزرگداشت معماری سنتی، فعالیت‌های فرهنگی، علمی، هنری و اقتصادی این شهر برگزار می‌شود.
آلبو در ۳۵۰ کیلومتری شمال پایتخت سوریه واقع شده‌است.
این شهر مملو از قلعه‌ها، دروازه‌ها، بازارها، کاروانسراها، مسجدها، کلیساها، حمام‌های سنتی، بیمارستان‌ها و مدرسه‌هاست.
این شهر شاهراه چندین مسیر تجاری از جمله جاده مشهور ابریشم از هزاره دوم پیش از میلاد است. علاوه بر آلبو، سازمان کنفرانس اسلامی اصفهان را به عنوان پایتخت فرهنگ اسلامی برای آسیا و تیببوتکو در مالی را به عنوان پایتخت فرهنگی در آفریقا انتخاب کرد.

□

ایران شناسی در دانشگاه زیمبابوه

ایرنا : با تلاش نمایندگی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در زیمبابوه و همکاری گروه تاریخ دانشگاه زیمبابوه، یک دوره کلاس‌های فشرده ایران‌شناسی به مدت یک هفته در محل این دانشگاه برگزار شد.
در این دوره که تدریس آن را دکتر بیدگلی ایران‌شناس معاصر و مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی بر عهده داشت، دوره کاملی از تاریخ ایران به صورت فشرده برگزار شد.
تاریخ ایران باستان، تاریخ اسلام، انقلاب مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی و تاریخ انقلاب اسلامی از جمله سرفصل‌های مطرح‌شده در این دوره بودند.
این دوره مورد استقبال زیاد دانشجویان دانشگاه زیمبابوه قرار گرفت، به طوری‌که در جلسات این دوره به طور متوسط ۴۰ دانشجوی حضور داشتند.

یزمودزی رئیس گروه تاریخ دانشکده هنر دانشگاه زیمبابوه در پایان این دوره ابراز امیدواری کرد، در آینده نزدیک دوره‌های آموزشی مشابهی در ارتباط با فرهنگ و تمدن ایران در این دانشگاه برگزار شود.
وی همچنین خواستار اعزام یکی از اساتید گروه تاریخ این دانشگاه به یکی از مراکز عالی دانشگاهی در ایران، برای فراگیری تاریخ ایران و آشنایی با فرهنگ و تمدن کشورمان شد.
عرب احمدی رایزن فرهنگی ایران در زیمبابوه به ایرنا گفت : براساس هماهنگی‌های صورت گرفته این نمایندگی برای کلیه دانشجویان شرکت‌کننده در دوره ایران‌شناسی، گرویهایی پایان دوره صادر خواهد کرد.

□

جشنواره «مذاهب» ماه آینده در اسپانیا

ایرنا : جشنواره مذاهب با عنوان «فستیوال سه فرهنگ» از روز نوزدهم اردیبهشت ماه آینده با حضور نمایندگان از سه دین تجوید بزرگ اسلام، مسیحی و یهودی در شهر «مورسیا» در جنوب شرقی اسپانیا برگزار می‌شود.
نشریه اینترنتی «وب اسلام» وابسته به جامعه اسلامی اسپانیا روز پنجشنبه اعلام کرد : این فستیوال به مدت یک ماه شاهد اجرای برنامه‌های موسیقی، نمایش فیلم و سخنرانی خواهد بود. هدف از این جشنواره کمک به تحقق طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها و صلح جهانی اعلام شده‌است.
«میگل آتخل کاماراز» شهردار مورسیا در این باره به «وب سایت اسلام» گفت که ساختمان یک مسجد قدیمی و بنای تئاتر رومی که دو اثر مهم تاریخی در مورسیا به شمار می‌روند، به عنوان محل برپایی جشنواره در نظر گرفته شده‌است.
وی افزود : گروه‌های مختلف هنر این جشنواره نیز از کشورهای کوبا، صحرا و اسپانیا به اجرای برنامه خواهند پرداخت و آژاگرا آن یک کنسرت موسیقی توسط یک خواننده یهودی است.
خوزه مرسد یک نوازنده و خواننده اسپانیایی «فلامنکو» که سبک موسیقی وی، ترکیبی از دو فرهنگ موسیقی اسلامی و اروپایی است، از دیگر هنرمندان فستیوال مورسیا معرفی شده‌است.
شهر بندری مورسیا که به مدت هشت قرن تا قرن پانزدهم میلادی تحت سیطره حاکمان مسلمان اندلس بوده، آثار و مراکز اسلامی مختلفی به ویژه یک مسجد تاریخی را در خود جای داده‌است.

لاندپیشینه

اتانازی، تعریف و مباحث پیرامون آن

احمدرضا همتی مقدم



پزشکان هم مطمئن‌اند که درمان امکان پذیر نیست یا درمان را قطع می‌کنند و بیمار را از مواد غذایی یا دارو محروم می‌کنند و با اگر مثلاً بیمار در سیر بیماری‌اش، دچار عفونتی شود درمانی برای عفونت و آغاز نمی‌شود.
«اتانازی غیرمستقیم» (e. Indirect): در این حالت بیمار در حالی به بحث بسیار مهمی در اخلاق پزشکی است چون تمام حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد. اما برای پرداختن به این سئوالات نیاز ضروری به فهمیدن تعدادی از اصطلاحات و تعاریف مربوط به اتانازی است. اگر چه خیلی از نویسندگان مدعی هستند که بین انواع اتانازی تفاوت عمیق‌ای نمی‌توان قائل شد. اما اکثر مباحث پیرامون این موضوع مخصوصاً مباحث حقوقی بر روی این تفاوت‌ها تکیه می‌کنند.

واژه «اتانازی» که از اصطلاح یونانی «Eυ» به معنای «خوب» و «کامبخش» و واژه «Thanasia» به معنای «مرگ» مشتق شده‌است. واژه Thanasia خود از «Thanatos» که الهه مرگ در یونان بوده است، گرفته شده است. این واژه برای اولین بار توسط فرانسیس بیکن که مرگ بدون رنج را تبلیغ می‌کرد وارد فرهنگ پزشکی شد. شورای اخلاقی و قضایی انجمن پزشکی آمریکا واژه اتانازی را اینگونه تعریف می‌کند:

«اتانازی عمل ایجاد مرگ در بیماری را علاج است که رنج و عذاب غیرقابل تحمل دارد که این عمل یا روشی نسبتاً سریع و بدون درد به دلایل ترجم‌انگیز صورت می‌گیرد. در این تعریف اتانازی به عنوان تجویز پزشکی یک داروی کشنده به بیماری معنا می‌شود که رنج و عذاب غیرقابل درمان و غیرقابل تحمل دارد. اتانازی اصطلاحی عمومی است که بالفعل می‌توان نوعی از معنای مختلف را براساس زمینه‌ای که از آن استفاده می‌شود از آن استنباط کرد. تعدادی از اصطلاحات در هنگام بحث از اتانازی به طور قراردادی در نظر گرفته شده است. این اصطلاحات به دقیق‌تر شدن زمینه موضوع و تشخیص بین انواع مختلف اتانازی کمک می‌کنند. اما منابع گوناگون هر یک به طریقی اصطلاحات مربوط به این واژه را تعریف کرده‌اند. برخی از اصطلاحات که در این باره مطرح شده است عبارتند از:

اتانازی فعال (active)، اتانازی غیرفعال (passive)، اتانازی داوطلبانه (voluntary) / اتانازی غیرداوطلبانه (non voluntary)، اتانازی اجباری (Involuntary)، خودکشی با همکاری پزشک

رالف برگن در کتاب «اخلاقیات بیماران رو به موت»

اتانازی را چنین تعریف می‌کند: (این تعریف به نظر من

□

□

تعریف جامعی است)

«اتانازی فعال داوطلبانه»: تزریق عمدانه دارو با اقدامات

دیگر است که منجر به مرگ بیمار شود. این عمل براساس تقاضای صریح بیمار و با رضایت کاملاً آگاهانه او انجام می‌شود. نکته مهم در این حالت این است که قصد و تمایل پزشک و بیمار هر دو در جهت خاتمه دادن به زندگی بیمار است. در اتانازی فعال داوطلبانه دو شرط بسیار مهم است:
۱- تصمیم خود بیمار ۲- در رنج غیرقابل تحمل و امید به بهبودی.
«اتانازی فعال غیرداوطلبانه»: تزریق عمدانه دارو با اقدامات دیگری است که منجر به مرگ بیمار شود اما در این حالت بیمار صلاحیت تصمیم‌گیری (اهلیت یا صلاحیت قانونی) را ندارد و از لحاظ روانی قادر به درخواست صریح برای این عمل نیست. مثلاً بیمار در حالت کما است. البته تنها مرگ مغزی و زندگی نباتی مواردی نیستند که بیمار قادر به تصمیم‌گیری نیست. در این نوع اتانازی معمولاً پزشک با تیم پزشکی، کمیته اخلاق پزشکی و یا خانواده بیمار و یا قاضی صلح‌های تصمیم‌گیری را نداشته باشد.

«اتانازی فعال اجباری»، تزریق عمدانه دارو با اقدامات دیگری است که باعث مرگ بیمار شود. در این حالت بیمار صلاحیت تصمیم‌گیری را دارا است و هیچگونه درخواست صریح برای این عمل نداشته‌است. این حالت را جمیع اخلاقیون، مجاز نمی‌دانند و قتل محسوب می‌شود. «اتانازی غیرفعال»، عدم شروع درمان یا قطع درمان‌هایی است که برای حفظ حیات بیمار لازمند. البته این نوع اتانازی می‌تواند داوطلبانه (یعنی براساس درخواست بیمار) یا غیرداوطلبانه (یعنی بیمار صلاحیت تصمیم‌گیری را نداشته باشد).
این نوع اتانازی معمولاً به صورت مستقیم، مانند تجویز دارو یا هر اقدام دیگری، نیست. در «اتانازی غیرفعال داوطلبانه» بیمار درمان خود را رد می‌کند تا در مرگش تسریع ایجاد شود. به عبارت دیگر بیمار از همان ابتدا از پذیرش درمان ر باز می‌زند. «اتانازی غیرفعال غیرداوطلبانه» معمولاً در مورد بیمارانیه که مرگ گرفته می‌شود که شرایط بسیار وخیمی دارند و

پزشکان هم مطمئن‌اند که درمان امکان پذیر نیست یا درمان

را قطع می‌کنند و بیمار را از مواد غذایی یا دارو محروم می‌کنند و با اگر مثلاً بیمار در سیر بیماری‌اش، دچار عفونتی شود

درمانی برای عفونت و آغاز نمی‌شود.

«اتانازی غیرمستقیم» (e. Indirect): در این حالت بیمار در حالی به بحث بسیار مهمی در اخلاق پزشکی است چون تمام حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد. اما برای پرداختن به این سئوالات نیاز ضروری به فهمیدن تعدادی از اصطلاحات و تعاریف مربوط به اتانازی است. اگر چه خیلی از نویسندگان مدعی هستند که بین انواع اتانازی تفاوت عمیق‌ای نمی‌توان قائل شد. اما اکثر مباحث پیرامون این موضوع مخصوصاً مباحث حقوقی بر روی این تفاوت‌ها تکیه می‌کنند.

واژه «اتانازی» که از اصطلاح یونانی «Eυ» به معنای «خوب» و «کامبخش» و واژه «Thanasia» به معنای «مرگ» مشتق شده‌است. واژه Thanasia خود از «Thanatos» که الهه مرگ در یونان بوده است، گرفته شده است. این واژه برای اولین بار توسط فرانسیس بیکن که مرگ بدون رنج را تبلیغ می‌کرد وارد فرهنگ پزشکی شد. شورای اخلاقی و قضایی انجمن پزشکی آمریکا واژه اتانازی را اینگونه تعریف می‌کند:

«اتانازی عمل ایجاد مرگ در بیماری را علاج است که رنج و عذاب غیرقابل تحمل دارد که این عمل یا روشی نسبتاً سریع و بدون درد به دلایل ترجم‌انگیز صورت می‌گیرد. در این تعریف اتانازی به عنوان تجویز پزشکی یک داروی کشنده به بیماری معنا می‌شود که رنج و عذاب غیرقابل درمان و غیرقابل تحمل دارد. اتانازی اصطلاحی عمومی است که بالفعل می‌توان نوعی از معنای مختلف را براساس زمینه‌ای که از آن استفاده می‌شود از آن استنباط کرد. تعدادی از اصطلاحات در هنگام بحث از اتانازی به طور قراردادی در نظر گرفته شده است. این اصطلاحات به دقیق‌تر شدن زمینه موضوع و تشخیص بین انواع مختلف اتانازی کمک می‌کنند. اما منابع گوناگون هر یک به طریقی اصطلاحات مربوط به این واژه را تعریف کرده‌اند. برخی از اصطلاحات که در این باره مطرح شده است عبارتند از:

اتانازی فعال (active)، اتانازی غیرفعال (passive)، اتانازی داوطلبانه (voluntary) / اتانازی غیرداوطلبانه (non voluntary)، اتانازی اجباری (Involuntary)، خودکشی با همکاری پزشک

واژه «اتانازی» که از اصطلاح یونانی «Eυ» به معنای «خوب» و «کامبخش» و واژه «Thanasia» به معنای «مرگ» مشتق شده‌است. واژه Thanasia خود از «Thanatos» که الهه مرگ در یونان بوده است، گرفته شده است. این واژه برای اولین بار توسط فرانسیس بیکن که مرگ بدون رنج را تبلیغ می‌کرد وارد فرهنگ پزشکی شد. شورای اخلاقی و قضایی انجمن پزشکی آمریکا واژه اتانازی را اینگونه تعریف می‌کند:

«اتانازی عمل ایجاد مرگ در بیماری را علاج است که رنج و عذاب غیرقابل تحمل دارد که این عمل یا روشی نسبتاً سریع و بدون درد به دلایل ترجم‌انگیز صورت می‌گیرد. در این تعریف اتانازی به عنوان تجویز پزشکی یک داروی کشنده به بیماری معنا می‌شود که رنج و عذاب غیرقابل درمان و غیرقابل تحمل دارد. اتانازی اصطلاحی عمومی است که بالفعل می‌توان نوعی از معنای مختلف را براساس زمینه‌ای که از آن استفاده می‌شود از آن استنباط کرد. تعدادی از اصطلاحات در هنگام بحث از اتانازی به طور قراردادی در نظر گرفته شده است. این اصطلاحات به دقیق‌تر شدن زمینه موضوع و تشخیص بین انواع مختلف اتانازی کمک می‌کنند. اما منابع گوناگون هر یک به طریقی اصطلاحات مربوط به این واژه را تعریف کرده‌اند. برخی از اصطلاحات که در این باره مطرح شده است عبارتند از:

اتانازی فعال (active)، اتانازی غیرفعال (passive)، اتانازی داوطلبانه (voluntary) / اتانازی غیرداوطلبانه (non voluntary)، اتانازی اجباری (Involuntary)، خودکشی با همکاری پزشک

واژه «اتانازی» که از اصطلاح یونانی «Eυ» به معنای «خوب» و «کامبخش» و واژه «Thanasia» به معنای «مرگ» مشتق شده‌است. واژه Thanasia خود از «Thanatos» که الهه مرگ در یونان بوده است، گرفته شده است. این واژه برای اولین بار توسط فرانسیس بیکن که مرگ بدون رنج را تبلیغ می‌کرد وارد فرهنگ پزشکی شد. شورای اخلاقی و قضایی انجمن پزشکی آمریکا واژه اتانازی را اینگونه تعریف می‌کند:

«اتانازی عمل ایجاد مرگ در بیماری را علاج است که رنج و عذاب غیرقابل تحمل دارد که این عمل یا روشی نسبتاً سریع و بدون درد به دلایل ترجم‌انگیز صورت می‌گیرد. در این تعریف اتانازی به عنوان تجویز پزشکی یک داروی کشنده به بیماری معنا می‌شود که رنج و عذاب غیرقابل درمان و غیرقابل تحمل دارد. اتانازی اصطلاحی عمومی است که بالفعل می‌توان نوعی از معنای مختلف را براساس زمینه‌ای که از آن استفاده می‌شود از آن استنباط کرد. تعدادی از اصطلاحات در هنگام بحث از اتانازی به طور قراردادی در نظر گرفته شده است. این اصطلاحات به دقیق‌تر شدن زمینه موضوع و تشخیص بین انواع مختلف اتانازی کمک می‌کنند. اما منابع گوناگون هر یک به طریقی اصطلاحات مربوط به این واژه را تعریف کرده‌اند. برخی از اصطلاحات که در این باره مطرح شده است عبارتند از:

اتانازی فعال (active)، اتانازی غیرفعال (passive)، اتانازی داوطلبانه (voluntary) / اتانازی غیرداوطلبانه (non voluntary)، اتانازی اجباری (Involuntary)، خودکشی با همکاری پزشک

واژه «اتانازی» که از اصطلاح یونانی «Eυ» به معنای «خوب» و «کامبخش» و واژه «Thanasia» به معنای «مرگ» مشتق شده‌است. واژه Thanasia خود از «Thanatos» که الهه مرگ در یونان بوده است، گرفته شده است. این واژه برای اولین بار توسط فرانسیس بیکن که مرگ بدون رنج را تبلیغ می‌کرد وارد فرهنگ پزشکی شد. شورای اخلاقی و قضایی انجمن پزشکی آمریکا واژه اتانازی را اینگونه تعریف می‌کند:

«اتانازی عمل ایجاد مرگ در بیماری را علاج است که رنج و عذاب غیرقابل تحمل دارد که این عمل یا روشی نسبتاً سریع و بدون درد به دلایل ترجم‌انگیز صورت می‌گیرد. در این تعریف اتانازی به عنوان تجویز پزشکی یک داروی کشنده به بیماری معنا می‌شود که رنج و عذاب غیرقابل درمان و غیرقابل تحمل دارد. اتانازی اصطلاحی عمومی است که بالفعل می‌توان نوعی از معنای مختلف را براساس زمینه‌ای که از آن استفاده می‌شود از آن استنباط کرد. تعدادی از اصطلاحات در هنگام بحث از اتانازی به طور قراردادی در نظر گرفته شده است. این اصطلاحات به دقیق‌تر شدن زمینه موضوع و تشخیص بین انواع مختلف اتانازی کمک می‌کنند. اما منابع گوناگون هر یک به طریقی اصطلاحات مربوط به این واژه را تعریف کرده‌اند. برخی از اصطلاحات که در این باره مطرح شده است عبارتند از:

برخی دیگر از داوطلبین اتانازی گلایه کمتری از درد دارند و مشکل اصلی آنها وابستگی به دیگران و یا وابسته به دستگاه‌های تنفس مصنوعی است که در این حالت وابستگی، به خاطر درد درخواست بیمار در این حالت وابستگی، معنای ندارد. ۲- استدلال می‌شود ما هیچ‌گاه شواهد کافی برای توجیه این باور نداریم که تقاضای بیمار مبتلا به بیماری لاعلاج برای مردن تقاضایی درست، ثابت و واقعاً مختارانه است. ۳- برخی برای انجام اتانازی به «آموزه اثردوگان» (doctrine of double effect) متوسل شده‌اند اما مطابق با تفسیر این آموزه انجام اعمالی مجاز است که عواقب بد آن از پیش مشخص باشد به این شرط که:
الف - این نتیجه بد به عنوان یک اثر جانبی یا غیرمستقیم عمل اصلی منظور شده باشد، ب - عملی که قصد اصلی بر آن واقع شده به لحاظ اخلاقی خوب و یا حداقل خنثی باشد، ج - اثر خوب به واسطه راه بدی حاصل نشود یعنی بدی وسیله‌ای برای رسیدن به خوبی نباشد، د- نتایج بد نیابستی چنان جدی باشند که بر اثرات خوب فائق شوند. اما اتانازی این شرایط را برآورده نمی‌کند.
جالب است که موافقین اتانازی نیز از همین آموزه نتایجی خلاف رأی مخالفین اتانازی می‌گیرند. ۴- استدلال می‌شود تمایز میان اتانازی ارادی، اجباری و غیرارادی در نحوه عمل است ولی در اصل کار تفاوتی بین این دو وجود ندارد. ۵- اگر اتانازی ارادی و فعال را بپذیریم راه را برای دیگر انواع اتانازی و خودکشی فراهم آورده‌ایم.

البته نظرات مختلف درباره اتانازی ضرورتاً وابسته به نظرات مختلف در زمینه اخلاق است. مباحث پیرامون اتانازی، مباحثی درباره «ارزش‌ها» است. برخی اعتقاد دارند که حیات حد اعلای خوبی است و دیگر خوبی‌ها با وجود حیات و زندگی معنا می‌یابند. بدون زندگی و حیات، ارزشی یا خوبی‌ای وجود ندارد (یعنی نمی‌تواند وجود داشته باشد) و حیات شرط لازم برای تحقق دیگر ارزش‌ها است.

نیستند بلکه معتقدند که حقوق فردی ارزش برتر است و برخی دیگر از آنها کیفیت حیات را مهمتر از خود حیات می‌دانند و منطق آنها این است که اگر چه زندگی خود به گونه‌ای واضح یک ارزش مهم است اما ممکن است زمان‌هایی به وجود آید که زندگی ارزش زیستن و بودن نداشته باشد. افرادی که حقوق فردی و کیفیت زندگی را ارزش برین می‌دانند، در حالت‌های که قدرت و توان آنها کاهش می‌یابد و زندگی ارزشی خود را در معرض تهدید می‌بینند؛ چون در یک نظام ارزشی، فرد ردیفی از ارزش‌ها را براساس اهمیت آنها طبقه‌بندی می‌کند. حال اگر این نظام ارزشی به خطر افتد فرد ممکن است زندگی خود را خاتمه دهد، چون دیگر ارزش زیستن طولانی و یک زندگی خوب وجود ندارد. یکی از مهمترین دلایلی که بحث درباره اتانازی اینقدر مورد اعتراض قرار گرفته به این علت است که نظام ارزشی انسان را به چالش می‌خواند. یکی از راه‌های ارزیابی ارزش‌ها برای آن که در پایانیم اثبات واقعاً ارزش اخلاقی ارائه‌دهنده‌ای نظریه‌ای مدعی در اخلاق هنجاری (normative ethics) است. با ارزیابی یک مشکل یا یک رویه خاص از طریق عینک اخلاق هنجاری می‌توانیم تعیین کنیم که نظام‌های ارزشی‌ما نیاز به تغییر دارند یا نه؟

بررسی هر کدام از نظریه‌های اخلاق هنجاری باید حتماً چهار سطح فرد، خانواده، پزشک و جامعه را در نظر گرفت. در سطح فردی شخص باید تصمیم بگیرد که می‌خواهد به زندگی‌اش خاتمه دهد یا نه؟ مثلاً از منظر «خودگرایی اخلاقی» اگر شخص براساس منفعت و نفع خود به نتیجه برسد که بمیرد، این اخلاقی است. اما طرف دیگر فرد ممکن است به این نتیجه برسد که می‌خواهد زنده بماند و استدلال کند که تمام تکنولوژی پزشکی باید به کار گرفته شود تا زندگی‌اش را حفظ کند.

اعضای خانواده نیز یک وضعیت دشوار اخلاقی را پیش رو دارند و این دشواری بیشتر مربوط به مواردی است که فرد لاعلاج فاقد صلاحیت لازم برای تصمیم‌گیری درباره مرگ خودش است. مثلاً از دیدگاه «سودگرایی اخلاقی» خانواده ممکن است تمایل باشد بیمارشان زنده بماند به این دلیل که از این بردن ارزش زندگی به حال جامعه ضرر است و این بردن امکان نجات بیمار وجود دارد و این به هر حال خبر جمعی را در پی دارد. ولی از طرف دیگر ممکن است خانواده تمایل به مردن بیمارشان داشته باشند به علت این که مراقبت‌های پزشکی بیهوده (futile) هزینه زیادی بر دوش جامعه وارد می‌کند در نتیجه مرگ او بیشترین خیر جمعی را دارد.

پزشک نیز در یک چالش اخلاقی قرار دارد. نگاه جهانی به پزشکان این است که آنها وظیفه دارند به هر قیمتی زندگی بیمار را حفظ کنند. در مقابل این نگاه جهانی آموزه «خودمختاری» (Autonomy) و حق بیمار قرار دارد. این طبق این آموزه پزشکان در قبال امیال و آرزوهای بیمارانشان مسئول هستند. براساس اصل «خودمختاری» توجیه اتانازی تنها بر مبنای اصل احترام برای تصمیم بیمار است و ارتباطی با این موضوع که اتانازی به سود بیمار است یا نیست، ندارد. بر طبق این دیدگاه وقتی بیمار مختارانه تصمیم به مرگ می‌گیرد پزشک باید از دآوری درباره «کیفیت زندگی» بیمار خود امتناع کند. یعنی پزشک باید به درخواست منطقی و حتی غیرمنطقی بیمار برای انجام اتانازی رضایت دهد. اما پزشک از سوی دیگر متعهد است که عملی بر خلاف سود و منفعت بیمار انجام ندهد. یعنی پزشک باید تصمیم بگیرد که این عمل به سود و منفعت بیمار است یا نیست، که این مسئله هم وابسته به ملاحظات درباره کیفیت زندگی بیمار است. اما در اینجا بخشی معرفت‌شناسانه پیش می‌آید که آیا پزشک امکان این را دارد کیفیت زندگی بیمار را ارزیابی کند؟ و یا چه ملاک‌هایی این ارزیابی استوار است؟ درستی این ملاک‌ها را چگونه می‌توان تمیز کرد؟ آتالیز نظریه‌های اخلاق هنجاری جوابی روشن پیش روی ما نمی‌گشاید چون هیچ اجماعی از خوبی وجود ندارد و چون در چهار سطح باید بررسی شوند تناقضات بسیاری حاصل می‌شود ولی آنچه واضح است بیشتر استدلال‌های اخلاقی عمیق به له اتانازی برگرفته از همین نظریه‌های اخلاقی است ولی هیچکدام نمی‌توانند نشان دهند کدام ساز و کار برای گرفتن تصمیم در قبول یا رد اتانازی بهترین است. البته اکثر جوامع اتانازی فعال و ارادی را رد کرده‌اند (به جز کشور مانند هلند و اخیراً بلژیک که آن هم شرایط خاص خود را دارد) و بحث بیشتر بر انواع دیگر اتانازی یعنی نوع غیرفعال و غیرارادی آن است.

گفتار □

سکون شتابان

هارتموت رزا؛ جامعه‌شناسی و فلسفه زمان

اکهارد فور	
ترجمه: احمد سمایی	

بخش اول
آنچه که در پی می‌خوانید، نوشتاری است از اکهارد فور (Eckhard Fuhr) دیر بخش فرهنگی روزنامه آلمانی دی‌ولت در باره کتاب «شتاب: تحولات ساختار زمان در دوران مدرنیت». این کتاب را بر پرفسور هارتموت رزا (Hartmut Rosa)، از جامعه‌شناسان نامدار آلمان نوشته و بحث‌های بسیاری پیرامون آن در محافل علمی و نشریات به راه افتاده است. اکهار فور (Eckhard Fuhr) در نوشتار خود می‌کوشد به مضمون و نتیجه‌گیری‌های این کتاب نقی برند و شمایی از سرنوشتی که رزا برای مدرنیت متصور است را به خواننده عرضه کند. متن آلمانی این نوشتار در شماره ۱۸ فوریه روزنامه دی‌ولت به چاپ رسیده است.

■ ■ ■

به نظر می‌رسد که سرعت گشتار هارتموت رزا جامعه‌شناس به تابعی از موضوع مورد مطالعه او بدل شده است. وقتی که او در دفتر خود در شهر بنا به سخن گفتن در باب شتاب به عنوان سرشت و سرنوشت مدرنیت می‌آغازد، گرچه می‌کوشد پدیده مورد مطالعه خود و منطق درونی آن را در غالب واژه‌ها و مفاهیم به بیان آورد، ولی در عین حال نگران است که مبدا این پدیده با فرآیند شتابانش به سرعت از او در حال دورشدن باشد. زبان رزا به سرعت می‌چرخد و با انبوهی از معانی و مفاهیم به توضیح شتابان مدرنیت می‌کوشد، هر چند که او خود از موقعیت و شرایطی برخاسته که سکوت و ایجاز در سخن کم و بیش از شاخصه‌های آن است.

رزا از روستایی کوچک در منطقه شوارتس‌والد (آلمان) می‌آید، یعنی از همان منطقه‌ای که روزگاری کسی مانند هایدگر به هنگام قدم زدن در دشت‌های آن به مسئله هستی و زمان اندیشیده است. البته خطا است اگر در سیمای رزا، نوه فکری هایدگر را سراغ بگیریم، چرا که داش و گرایش او بیشتر از آموزه‌های کسانی همچون مارکس، ماکس وبر، امیل دورکهایم و جورج زیمل و یا هابermas به عبارتی از کلاسیک‌های جامعه‌شناسی مدرن متأثر است. با این همه تجربه هستی و زمان در مناسبات اجتماعی، یعنی در همان مناسباتی که در آنها کساکان نیروی مادی علیه فشار شتاب بخش مدرنیت وجود داشته و دارد نیز تامل و درنگ در این تجربه در کل نظریه‌هایی همچون نیوکری و لندلن و رزا را به واسطه و تاریخ زنده با موضوع مطالعه‌اش رهنمون شده است. فضاهای متفاوت زندگی‌ای که رزا در آنها گذشت و انگشت کرده است تفاوتشان را عمدتاً در ساختار زمانی‌شان نشان می‌دهند که این خود نیز مبنایی است برای «در جهان بودن» انسان و چشم‌اندازهای هدایت هستی‌اش.

اگر قول رانیهارد کوکلیز را بپذیریم که اولین آگاهی و



تجربه تنش آلود انسان از مدرنیت، زنده در دوران مدرنیت، به نیمه سده هجدهم بازمی‌گردد، می‌توان گفت که از همان هنگام، پرسش تاریخی انسان در مورد یک زندگی خوب و موفق چنین بوده است: من کی می‌م‌سک و فرمانروای وقت و زمان خود خواهم شد؟ از نظر رزا از همان آغاز طرح چنین پرسشی، زمان خود به موضوع تحلیل‌های جامعه‌شناختی بدل شده است، چرا که این مقوله (زمان) یک مفهوم و محصول (زندگی) اجتماعی است، هرچند در نگاه اول پدیده‌ای طبیعی به نظر برسد. زایش جامعه‌شناسی به عنوان یک علم حاصل درک و تناقض آلود انسان از زمان در دوران مدرن برای همین پدیده‌ای آشناست. این تجربه‌هایی که آن است که متن و بطن زمان عجله و شتاب از یک سو و تهی‌گونی و خلاء از سوی دیگر رو به تراشدند.

شبابی که زمان از رهگذر رشد تکنیک، اقتصاد و تحولات اجتماعی به خود گرفته‌است همه را دربرمی‌گیرد. درست است که با پرز و و برآمد رمانتیک‌های اوایل قرن بیستم که قصد رواج شیوه‌های متفاوتی از زندگی را داشتند و یا با ظهور هیپی‌ها و طبعیت‌گرایان دهه‌های متأخرتر تلاش‌هایی برای کاستن این شتاب به عمل آمد، اما تحولات چندانی نیاوردند و نتوانستند سویه و جهت شتاب باشد را برعکس کنند. در واقع هیچ چیز و هیچ کس از عهده چنین کاری برنمی‌آید. به عبارتی ما پیوسته با ماراژ فزونی‌ری از زمان مواجه‌ایم ولی در عین حال این زمان به سرعت در حال گریز از ما است.

مارکس بر آن بود که در ساختار سرمایه‌داری همه ناهاده‌ها مناسبات اجتماعی کهن تبخیر می‌شوند. او در بطن بهی که از این تبخیر پدید می‌آید قلمرو وسیعی از آزادی بازداشت که در آن انسان صیح‌ها به شکار می‌رود، ظواهرهای مادی‌گیری می‌کند و ماسک‌های نیارشد منتقد اجتماعی باشد. ماکس وبر اما بر عکس مارکس آینده را چیزی به جز جداره فولادین صغارتی پیوسته رو به سخت‌تر شدن نمی‌دید. چنان که می‌بینیم شتاب زمان از یک‌سو آزادی‌بخش و از دیگرسو محدودتر است. حصرکننده درک و معنا شده‌است، باول و ویرلیو، فیلسوف معروف ایتالیایی، این تناقض را در عبارتی قابل تامل بیان کرده است: سکون سریع. رزا به وجود چنین سکونی قائل نیست، اما معتقد است که این بهترین چیزی که انسان می‌تواند برای مدرنیت آرزو کند. او در کتاب اخیر خود با نام «تحولات ساختار زمان در دوران مدرنیت» مناسبات انسان با زمان را در دوران مدرنیت متأخر به تحقیق و پژوهش گرفته است. مدرنیت متأخر بدان معناست که ما از مرز و آستانه معینی عبور کرده‌ایم و چیزی در حال پایان گرفتن است.

منبع: ایران امروز